

تازه‌های نمایشگاه

کتاب تازه‌ای درباره یونگ



شرق: همان‌طور که احتمالاً در کتابخانه شرق و از طریق گفت‌وگویی که با دکتر حسین پاینده منتشر کردیم، مطلع شده‌اید، از او کتابی در قرائت نقادانه آگهی‌های تلویزیون توسط انتشارات روزنگار در نمایشگاه اسمال عرضه شده است. اما این تنها کتاب پاینده برای نمایشگاه اسمال نیست. کتاب دیگری هم از او این هفته توزیع شده که مجلد دیگری است از مجموعه «بنیانگذاران فرهنگ» از انتشارات طرح نو. این کتاب که یونگ نام دارد توسط ریچارد ییلسکر نوشته شده و به قیمت ۱۸۵۰ تومان روانه بازار نشر شده است. پاینده در بخشی از مقدمه‌ای که به عنوان مترجم بر این کتاب نوشته می‌آورد: «یونگ نیز مانند فروید با پس‌زمینه‌ای از تحصیلات دانشگاهی در رشته پزشکی به نقش و جایگاه مهم ضمیر ناخودآگاه در بروز انواع و اقسام تعارض‌های روحی و حتی مشکلات جسمانی پی برد. نوشته‌ها و سخنرانی‌های او در آغاز تحقیقاتش طبیعتاً برای بسیاری از همکاران و اندیشمندان معاصرش، مایه استهزا تلقی می‌شدند. به سبب همین اثرزای فکری بود که یونگ شیفته افکار فروید شد که مضامینی مشابه با نظرات او را مستقلاً می‌پروراند و ترویج می‌کرد. زندگی‌نامه‌نویسان یونگ اشاره کرده‌اند که وقتی در سال ۱۹۰۷ فروید و یونگ نخستین بار با یکدیگر ملاقات کردند، گفت‌وگوی این دو اندیشمند بزرگ سیزده ساعت متوالی به طول انجامید. این درجه از همفکری، از وقوف این دو نظریه‌پرداز به این حقیقت ناشی می‌شد که انسان مدرن بیش از دردهای جسمانی، از دردها و آلام روحی رنج می‌برد. تلاش برای پرتوافشانی بر محنت‌ها و رنج‌های روحی و روانی انسان و نهایتاً تسکین و درمان دردهایی که پزشکی به سبب رویکرد جسم‌بنیایانه‌اش هرگز قادر به تشخیص یا درمان آنها نبود، راه این دو متفکر را به هم پیوند داد. البته، چنان‌که رسم شاگردان ممتاز است، یونگ حدود شش سال بعد راه خود را از راه استاد جدا کرد و مکتب جدیدی را متفاوت با روانکاوی فرویدی بنیان نهاد. «روانشناسی تحلیلی» یونگ تأکید نظریه روانکاوی بر خاستگاه جنسی امیال ناخودآگاه را زیاده از حد و ناموجه می‌داند. «کتاب «یونگ» نوشته ریچارد ییلسکر از پنج فصل تشکیل شده است: زندگی یونگ (دوره کودکی، تحصیلات، زندگی حرفه‌ای)، دوره همکاری یونگ با فروید (رساله دکتری، آزمون‌های یونگ تداعی، عقده، روانکاوی و روان‌گسیختگی، نمادهای گشتار، «برخی نمونه‌های تخیل خلاق نیمه‌آگاه» در نوشته‌های دوشیزه فریک میلر، قطع همکاری با فروید، خومختاری، دلایل یونگ در اثبات درستی رویکردش) شکل‌گیری روانشناسی تحلیلی، (سنگ‌های روانی، کهن‌الگوها، ضمیر ناخودآگاه جمعی)، سخنرانی‌های یونگ درباره کتاب «چنین گفت زرتشت»، و دین و کیمیاگری و اسطوره‌شناسی (دین، کیمیاگری، اسطوره‌شناسی و پدیده‌های فرامختار). در ایام نمایشگاه کتاب می‌توانید کتاب «یونگ» با ترجمه قابل اعتماد حسین پاینده را از غرفه انتشارات طرح نو تهیه کنید.

تجدید چاپ دو کتاب در علمی و فرهنگی

شرق: انتشارات علمی و فرهنگی دو کتاب نسبتاً قدیمی خود را تجدید چاپ کرده است. کتاب اول کتابی است به ترجمه مراد فرهادپور که نخستین‌بار در سال ۱۳۶۶ چاپ شده است و یکی از اولین کتاب‌های فرهادپور به شمار می‌آید. این کتاب با نام «شجاعت‌بودن» نوشته پل تیلیش، «اللهی‌دان نامدلار مسیحی، است و اینک چاپ سوم آن روانه بازار شده است. فرهادپور بر ترجمه این کتاب در چاپ اول مقدمه‌ای مفصل نوشته است که خود در مقدمه چاپ دوم (به سال ۱۳۷۵) سعی کرده است پاره‌ای نقایص آن مقدمه را برشمارد. این کار اما با چنان لحنی است که شاید اگر درباره هر کسی غیر از خود مترجم بود همه از دست او می‌شوریدند و این شاید نشان دهد فرهادپور تا چه حد خود عملاً به نظرش درباره نقد پایبند است. او در بخشی از این «دیباجه مترجم بر چاپ دوم» می‌نویسد: «ستایش بیش از حد از تیلیش، به‌رغم زیبایی ناشی از دلبستگی و شوق جوانی، خام و زائد می‌نماید؛ و ستایش‌های مکرر از کاسیرر نیز نه فقط بی‌ربط، بلکه کلاً گراف و بی‌مورد است. در مورد محتوای نظری «دیباجه» نیز باید گفت: نمی‌توان نقد ریشه‌ای اگزیستانسیالیسم را بسط داد و در همان حال از «پرش وجود معنا»، «هستی‌شناسی»، «اضطراب عدم» یا دیگر کلیشه‌های اگزیستانسیالیستی سخن راند. «چاپ سوم «شجاعت‌بودن» در ۲۳۴ صفحه به قیمت ۱۷۰۰ تومان منتشر شده است.

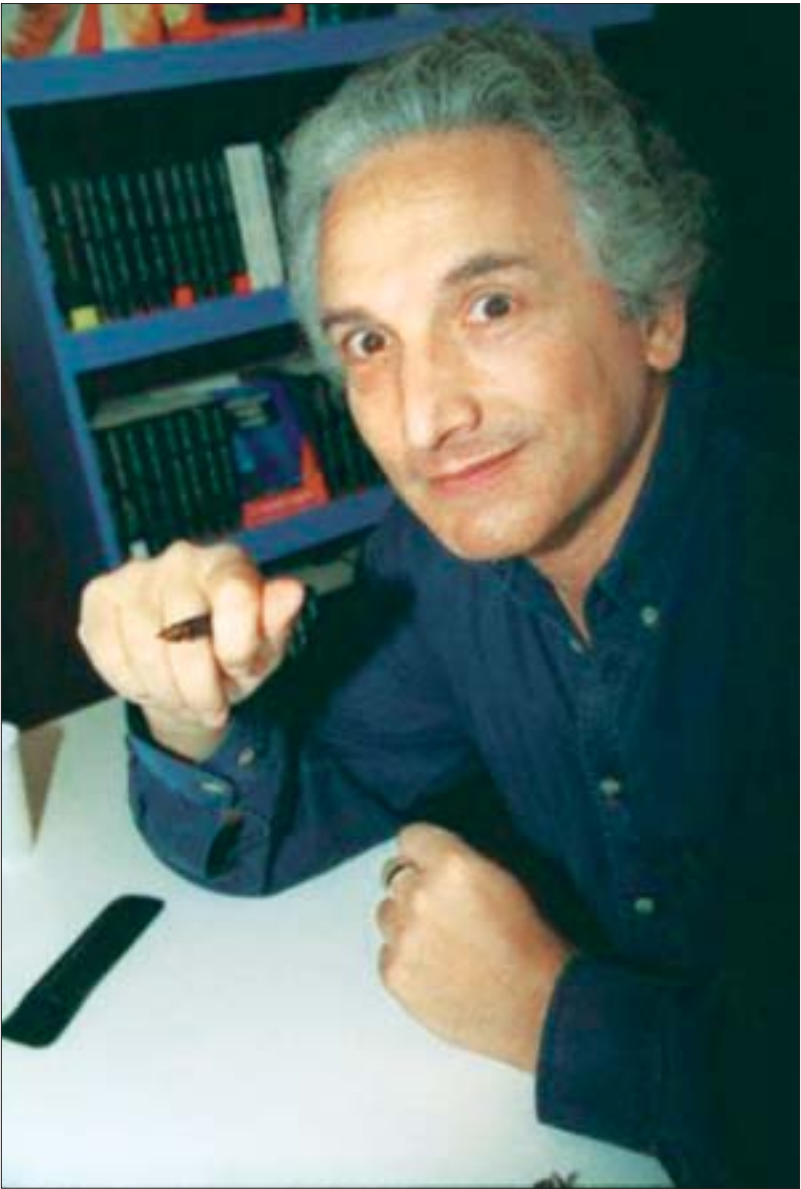
دومین کتابی که انتشارات علمی و فرهنگی تجدید چاپ کرده «بخارا: دستاورد فلسفی قرون وسطی» نام دارد که در ایران‌شناس برجسته آمریکایی، ریچارد نلسون فرای، نوشته است. چاپ نخست این کتاب در سال ۱۳۴۸ منتشر شده بود و اینک چاپ سوم آن در ۲۷۰ صفحه با قیمت ۱۸۰۰ تومان روانه بازار نشر شده است. به تعبیر خود فرای او در این کتاب کوشیده است نشان دهد که در پایان قرن نهم (قرون سوم هجری) و سراسر قرن دهم (قرون سوم و چهارم هجری)، بخارا مرکز حوزه فرهنگی شرق ایران و در نتیجه وارث سنن دیرینه‌ای مستقل از سنن و فرهنگ غرب ایران شد. هم کتاب فرای و هم کتاب تیلیش با طرح جلد جدید اما همان حروف‌چینی قدیمی منتشر شده‌اند، اما در عوض کیفیت‌شان به نسبت کتاب‌های هم‌حجم‌شان بسیار کمتر است.

کتاب بخارا

میشل بن ساییق: مرزهای نظری رادیکالیسم سیاسی

درباره دو کتاب تازه از فیلسوف و مبارز آرژانتینی الاصل ساکن فرانسه

امیر احمدی‌آریان



میشل بن ساییق

سوژه و نظایر آن مباحثی را مطرح می‌کنند که پیش از

آن در آثار نظریه‌پردازان بزرگ قرن بیستم نمونه‌های بسیار کامل‌تر و دقیق‌تر این روایت را دیده‌ایم.

بن ساییق و اوپنا بنا به جمله آلتوسر که می‌گوید:

«تاریخ با گسست‌های پی در پی پرورده می‌شود»، گسست اصلی عصر مدرن با دوران ما را غلبه مفهوم «عدم قطعیت» می‌داند. اگر فروپاشی اقتدار کلیسا بر اروپا و سیطره علم و دانش و کشف افق‌های تازه را گسست عصر مدرن از قرون وسطی بدانیم، آن‌گاه مشخص می‌شود که چرا علم چنین نقش مهمی در زندگی انسان مدرن دارد و چرا غلبه مفهوم عدم قطعیت برای انسان عصر ما ضربه‌ای هضم‌ناپذیر است. و گزاره‌هایی نظیر «یاد گرفتن شاهراه آزادی است» و «هیوط انسان نادانی است»، از اواخر قرون وسطی بین روشنفکران و اهالی اصلاح طلب کلیسا رواج یافت. به عنوان نمونه می‌توان به محبوبیت اسقف ابیلار، مردی که روحیه انقلابی تأثیرگذاری داشت و علیه آموزه‌های مدرسی کلیسا به پا خاسته بود:نزد فیلسوفان عصر روشنگری اشاره کرد. میشله درباره اسقف ابیلار می‌گوید: «در آن هنگام کلیسا دچار لکنت شده و ابیلار سخن می‌گوید. «به این ترتیب رشد و شکوفایی علم و دانش چنان ابعادی به خود می‌گیرد که همه چیز، از هنر و ادبیات گرفته تا فلسفه و سیاست را تحت سیطره خود دارد و مهم‌تر از هر چیز، علم با سیاست پیوند می‌خورد. «اما نظر کلیسا، آنان که پی علم و دانش اند می‌خواهند به ساحت علم الهی تجاوز کنند و جهلی را که لازمه ایمان چشم و گوش بسته است خرد کنند.

اما نشانه‌های عدم قطعیت را باید نخست در عالم علم و دانش و ظهور نظریه نسبیت اینشتین و فیزیک هاینبرگ، و هم‌زمان با آن در نظریه ناخودآگاه فروید ملاحظه کرد. علم مدرن مرزهای انسان را با جهان خارج بر اساس علم و شناخت از جهان تعین می‌کرد. بخش خارج از این مرز، سیاهی و خلائی بود که قرار بود در آینده شناخته شود. اما مفهوم عدم قطعیت به معنای قدم گذاشتن به آن سوی مرز، به معنای وارد شدن به فضایی است که به تبع لازم‌ه می‌توان آن را «بخش تاریک جهان» نامید. در این بخش تاریک است که روابط علی و معلولی زیر سؤال می‌رود. دیگر علل همانند اثرات یکسان به دنبال ندارند. عناصر غیرقطعی و تصادفی وارد سیستم می‌شوند و عقلانیت را با حوزه‌های تازه‌ای از درگیری می‌کنند، با آن شب سیاهی که در عصر مدرن به عنوان بخش ناشناخته بیرون گذاشته شده بود. این ویژگی‌ها از عرصه علم تجاوز کرده و علوم اجتماعی را نیز تحت تأثیر خود قرار داده است. نشانه‌های کلیدی عدم قطعیت در عالم واقع را می‌توان در استحاله مفهوم مبارزه و مقاومت، و سرنوشت احزاب و گروه‌های چپ دید که ادعای نجات جهان و مردم را داشتند. امروزه هر نوع مبارزه‌ای با ناامیدی پیوند خورده است. هر گونه ادعای رهایی بخشی و به ارمغان آوردن زندگی

کتاب‌اندیشه و تاریخ

سال سوم ■ شماره ۷۵۳ *شرق*

معرفی تازه‌ها

از خواجه تاجور تا شهریار دربره‌در

قصه‌های قاجار از خواجه تا جور تا شهریار در به در خسر و معتضد	
ناشر: قطره نوبت اول: ۸۴ تیراژ: ۱۱۰۰ نسخه قیمت: ۶۸۰۰ تومان	

محمود فاضلی: از جمله کتاب‌های انتشارات قطره در زمینه تاریخ ایران «قصه‌های قاجار از خواجه تا جور تا شهریار دربره‌در» نام دارد. از خواجه‌ای کینه‌توز با عقده‌های گران‌بار، با وجودی پر از خشم و نفرت تا پادشاهی مظلوم، محبوب و پایبند به سوگند وفاداری به قانون اساسی بیش از صد و بیست سال گذشت. ایران چهره‌نو یافت، درگیر در کشاکش آزمندی‌ها و رقابت‌های سه قدرت روسیه، فرانسه، انگلستان و سپس درگیر و دار روابط با کشورهای دیگر. کتاب قصه‌های قاجار سرگذشت هفت پادشاه قاجار است. آقا محمدخان، فتحعلی‌شاه، محمد شاه، ناصرالدین شاه، مظفرالدین شاه، محمدعلی‌شاه و احمد شاه، زندگی اداری و سیاسی، زندگی خصوصی، خوراک و پوشاک، مسکن و تفریحات و سرگرمی‌ها و اشتغالات آنها و نحوه معاش و زندگی روزمره مردم ایران، تفریحات، امیدها، ناامیدی‌ها، آداب و سنن، شهرنشینی و ده‌نشینی، راز عقب‌ماندگی ایران و فراز و نشیب‌های پی‌درپی و چالش‌ها و تنش‌ها. .

کتاب شامل ۷۹ بخش مستقل و کوتاه است. موضوعاتی همچون «قاجاریه از کجا آمدن، فرانسوی‌ها در تبریز و تهران، جنگ و لشکرکشی میان فرزندان فتحعلی‌شاه، ناصرالدین‌شاه سلطنت پرماجرا، زندگی خصوصی ناصرالدین شاه، سفر وی به انگلیس و آلمان، شورش علیه امتیازبخشی شاهانه، دعوی سه دولت ایران، ترکیه و عراق بر سر اسکلت سیدجمال‌الدین اسدآبادی، حکومت مظفرالدین‌شاه و سفرهای وی به اروپا، تهران پایتخت شاه‌شاهان، محمدعلی‌شاه بر سریر قدرت، وضع امنیت کشور در عصر استبداد صغیر، غاثله میدان توپخانه، بلوای فحطی‌نان در تبریز، ماجرای شیخ فضل‌الله نوری، قتل اتابک، جواب‌دندان‌شکن ستارخان سردار ملی به کنسول روس، محمدعلی‌شاه در سفارت روسیه می‌گریست، بازگشت شاه‌ملخوع از روسیه، ازدواج احمدشاه با دختر سلطان عثمانی، نگاهی به روابط چهارصد ساله ایران و آلمان، سفره رنگین ایرانی، سعدآباد و تاریخیچه آن و رقابت بانک روس با بانک انگلیسی» در این کتاب ۷۸۳ صفحه‌ای تاریخی مورد اشاره قرار گرفته است.

نویسنده در بخش «جنگ و لشکرکشی میان فرزندان فتحعلی‌شاه» می‌نویسد: «درباره عده فرزندان فتحعلی‌شاه می‌گویند از هفتصد تا هزار زن خود دارای بیش از ۱۶۰۰ فرزند پسر و دختر شده بود و برای بیکار نماندن فرزندان خود و از روی علاجه‌ای به عده‌ای از پسران خود که به سن بالای بیست رسیده بودند پست و مقام حکمرانی ایلات و ولایات کشور را ارجاع کرده بود و چون هر روز بر عده آنان افزوده می‌شد نگرانی‌شاه و صدراعظم و درباریان از بدو شغل ماندن این نورچشمان شاه‌تاتی افزایش می‌یافت. نه‌ها امید وزیران و مردم این بود که بالاخره عمر خاقان به سر برسد و با مرگ او و روی کار آمدن یکی از فرزندان‌کی در آینده از بطن هوسران شاه جدید به دنیا می‌آیندند جانشین این شاهزادگان مفت‌خور و ازخودراضی شوند. این حکام از فرط بیکاری به جان یکدیگر می‌افتادند و مجرات برانگیخته شدن شر و فتنه را فراهم می‌ساختند. .»

از دیگر موضوعات تاریخی مطرح شده در کتاب ماجرای دعوی سه دولت ایران، ترکیه و عراق بر سر اسکلت سیدجمال‌الدین اسدآبادی است. وی در سال ۱۳۰۸ ق به علت سخنانی که در مجامع و محافل تهران ایراد کرد مورد غضب ناصرالدین شاه قرار گرفت و از ایران به بین‌النهرین تبعید شد. سلطان عثمانی عبدالحمید دوم به علت اختلافاتی که با دولت ایران داشت مقدم سیدجمال را به گرمی پذیرفت و او را به استانبول فرخواند و در یکی از کاخ‌های سلطنتی مشرف بر تنگه بسفر اقامتگاهی‌شاهانه به او داد و از آن تاریخ تا سال ۱۳۱۴ ه ق که سیدجمال مرد، مورد پذیرایی و احترام دولت عثمانی بود. سیدجمال که از مردم اسدآباد همدان بود بنا به دلایل مختلف از جمله فشارهایی که دولت ایران وارد می‌آورد ایران را به تبعیت عثمانی، مصر و افغانستان را هم به دست آورد و گاهی در لباس عثمانی، عربی و افغانی ظاهر می‌شد.

قتل ناصرالدین‌شاه توسط میرزاضای کرمانی، نگرانی سلطان عبدالحمید را برانگیخت. از آن‌گاه سلطان وقتی سیدجمال بتواند از راه دور پادشاه قتل‌برده‌ها را آن‌هم به دست آدمی چون میرزارضا به قتل برساند احتمال سوءعقد به جان خود سلطان هم چندان دشوار نخواهد بود. مدتی پس از کشته شدن ناصرالدین شاه سیدجمال از چشم سلطان افتاد و سیدجمال را مردی ماجراجو شناخت که داعیه صدارت خلیفهٔ اسلام را دارد. سلطان دستور کشتن پی سروصدای سیدجمال را داد. به‌دنبال دندان‌درد سیدجمال، آمپول تزریق شده به لته وی حاوی ماده کشنده‌ای بود که در نهایت موجب مرگ سیدجمال شد. جنازه او را در یکی از گورستان‌های استانبول به خاک سپردند. پس از ۴۵ سال ناگهان عده‌ای از مورخان و دانشمندان ترکیه و افغانستان به مطالعه پیرامون ملیت و هویت سیدجمال پرداختند.

افغانی‌ها او را اهل افغانستان و عراقی‌ها به دلیل نوشته‌های به زبان عربی و اقامت در بغداد و عتبات او را عراقی می‌دانستند. مصری‌هایز سیدجمال را با روزگاری در مصر زیسته بود مصری می‌دانستند. بالاخره زور افغانی‌ها چربید و چون ایرانی‌ها هیچ اقدامی نکردند، سرانجام در نیمه دوم ۱۳۲۳ قرار شد اسکلت سیدجمال از مزار او در گورستانی در استانبول درآورده شود و از طریق بغداد به ایران منتقل و از راه ایران به کابل فرستاده شود. که افغان‌ها از انتقال جنازه از راه ایران منصرف شدند و با دور کردن راه، اسکلت سیدجمال را به کابل انتقال دادند.

مارکسیسم ارتدوکس نیز باشد، حمله این دو به اقتصاد سرمایه‌داری لیبرال را می‌توان برای نقد تأکید افراطی مارکسیست‌های ارتدوکس بر زیربنا به کار گرفت. در این مورد نیز مثل بسیاری از موارد دیگر، راست افراطی و چپ افراطی در نقطه‌ای دور از انتظار به هم رسیده‌اند و ایده اصلی مارکسیست‌های متقدم، به شکل عجیبی در عصر سرمایه‌داری لیبرال محقق شده است. مارکسیست‌های ارتدوکس مدام تأکید می‌کردند که اقتصاد زیربنای همه چیز است و همه چیز را به آن تقلیل می‌دادند اما واقعیت بیرونی چندان با نظراتشان مطابقت نمی‌کرد، اما در عصر ما که گویا اقتصاد به فراستی زیربنای همه چیز شده و همه چیز را می‌توان به آن تقلیل داد، کمتر متفکری دعوی‌ای کهنه زیربنا و روبنا را برای تأکید مجدد بر تقلیل همه چیز به زیربنا نبش قبر می‌کند.

«همه چیز چنان جریان می‌یابد که گویا تنها اصل واقعی از این پس اقتصاد است.» بن ساییق و اوپنا نقد چنین طرز فکری را بنمای کار قرار داده‌اند. همان‌طور که این دو می‌گویند، تمدن ما نخستین تمدنی است که در آن اقتصاد چنین جایگاهی یافته، نخستین تمدنی است که در آن اقتصاد هستی مستقل و مجزایی پیدا کرده و به اعمال انسان شکل می‌دهد. مسئله اصلی، نامرئی شدن امر اقتصادی است. وضعیت اقتصاد در عصر ما بی شباهت به وضعیت قانون در شرایط اضطراری نیست. اقتصاد دوران ما از محتوا تهی شده و امر اقتصادی تبدیل به نوعی فرم محض شده است، هستی مبهمی که کسی نمی‌تواند دقیق و درست درباره‌اش حرف بزند، اما با این وجود همه جا حاضر است و در هر کنش انسانی می‌توان ردپایش را یافت: «شفاف است ولی روشن و صریح نیست. همه جا حاضر است ولی قابل لمس نیست. فانی، ولی غیر قابل متوقف کردن است.» امر اقتصادی به جای این که بخشی از وقایع ملموس زندگی همه ما باشد و افراد بتوانند از ساز و کارهای آن سر دربیاروند، بخشی از ریاضیات شده است. اقتصاد به جهان الگوها و منطق‌های صوری پنهان برده، و اتفاقاً راز موفقیت و مشروعیت فراگیر آن نیز همین است. اقتصاد دیگر به واقعیت‌های زندگی روزمره کاری ندارد، دیگر به سختی می‌توان این الگوهای پیچیده را بر زندگی روزمره منطبق کرد.

بن ساییق و اوپنا به درستی معتقدند گزاره آلتوسر درباره ایدئولوژی در مورد اقتصاد نیز صدق می‌کند: «ویژگی ایدئولوژی این است که پاسخ‌ها پیش از پرسش‌ها می‌آیند.» در عالم اقتصاد نیز همین اتفاق افتاده است: اقتصاد، به دلیل همان تبدیل شدن فرم محض و انتزاع، عرصه‌ای پیش کشیده که در آن پاسخ تمام پرسش‌های بشر از پیش موجود است. البته تقریباً تمام پرسش‌ها در عالم اقتصاد یک پاسخ دارند، و آن «افایده‌گرایی» است. هر کنشی در صورتی موجه است که منجر به کسب سود بیشتر شود. پول و سود بیشتر همه چیز را قابل توضیح می‌کند. کسی که در بخش نظامی ارتش آمریکا کار می‌کند و پروژه ساختن بمب اتم برای کشتن عده‌ای بی‌گناه زیر نظر او است، می‌تواند مغرورترین آدم روی زمین باشد. اما وقتی با او صحبت کنیم و کله‌هایش را از خرج زندگی و گذران امور بشنویم، بسیاری از اعمال غیرانسانی او توجیه می‌شود. چنین است سلطه منطقی فایده‌گرایی بر زندگی انسان معاصر.

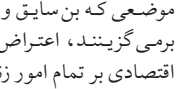
بن ساییق به اندازه فیلسوفانی نظیر لاکان، دلوز و فوکو، که به شدت تحت تأثیر آنان است، نظریه‌پرداز بزرگی نیست. بن ساییق غنای نظری و وسعت اطلاعات و ایده‌های هیچ یک از این سه نفر را ندارد، اما در تفکر او چیزی هست که کمتر در کار فیلسوفان مورد علاقه‌اش به چشم می‌خورد: پیوند عمیق نظریه با زندگی. بن ساییق بر خلاف مهم‌ترین فیلسوفی که بر او اثر گذاشته، یعنی دلوز، زندگی بسیار پرماجرایی را از سر گذرانده است.

بر خلاف دلوز که تمام عصر بیمار بود و به محافظه‌کاری و زندگی بسته و ترس از ماجراجویی شهرت داشت، زندگی بن ساییق بیشتر به رمانی پرداخته شبیه است. کتاب خاطرات او از نظر وسعت حوادث و تجربیات هرنلایکی که یک فرد می‌تواند در زندگی‌اش از سر بگذراند استثنایی است و خواننده در بسیاری از صفحات حیران می‌ماند که چطور یک انسان از این همه حادثه وحشتناک ریز و درشت‌ها سالم به در برده است. این تجربه پرریکا از نجات‌توده به کمک مبارزات سیاسی و تحمل زندان‌ها و شکنجه‌های عجیب و غریب، تأثیر غیرمستقیم خود را بر فلسفه بن ساییق نیز گذاشته است. نقد او از وضعیت موجود نقدی به شدت سیاسی است که در عین حال هیچ نوع توهمی برای شکل دادن به آینده‌ای بهتر، رهایی انسان‌ها از چنگال سرمایه‌داری و نجات‌توده به کمک رهبران انقلابی و احزاب پیشرو در آن به چشم نمی‌خورد. کتاب او نتیجه تجربیات مردی باهوش و دقیق است که تمام این تجربیات را از سر گذرانده و با مشکلات و نارسایی‌های تفکرات و جریانات چپ از درون آشنا است، و به همین دلیل است که نقد او از وضع موجود، به‌رغم فقدان غسنای نظری و ایده‌پردازای‌های حیرت انگیز فیلسوفان فرانسوی، بسیار زنده و تأثیرگذار به نظر می‌رسد. به همین دلیل است که در ابتدا گفتمیم بن ساییق برای خواننده فارسی زبان می‌تواند کشفی جذاب و مهم باشد. آثار او حکایت تلاش‌های مردی است که به‌رغم یک عمر شکست خوردن در رسیدن به اهداف سیاسی‌اش، هنوز به تغییر وضع موجود می‌اندیشد.

اما شاید بتوان بهترین و مهم‌ترین بخش

کتاب بن ساییق و اوپنا را نقد نیرومند و دقیق آن‌ها از اقتصاد دانست. در فصل پنجم کتاب که عنوان آن «سیاست جایگزین چیست؟» است، موضوعی که بن ساییق و اوپنا برای حمله به اقتصاد برمی‌گزینند، اعتراض به کلی شدن و سیطره امر اقتصادی بر تمام امور زندگی را، نکته جالب این است که نقد این دو در بسیاری از موارد می‌تواند نقد

۵



کتاب: مائو، آریان و انقلاب